

## طراحی مدل ساختاری عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران

حشمت‌اله مرادی شرف<sup>۱\*</sup>، غلامرضا شهبانی بهار<sup>۲</sup>، معصومه مجیدی پرست<sup>۳</sup>، نصرالله عرفانی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده علوم ورزشی، همدان، ایران.

۲. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده علوم ورزشی، همدان، ایران.

۴. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران.

تاریخ دریافت: (۱۴۰۱/۰۳/۲۶) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۹/۲۲)

### Designing a Structural Model of Tendency to Migration in National Team Athletes of the Islamic Republic of Iran

Heshmatolah Moradi Sharaf<sup>1\*</sup>, Gholamreza Shabani Bahar<sup>2</sup>,  
Masume Majidi Parast<sup>3</sup>, Nasrolah Erfani<sup>4</sup>

1. Ph.D Student, Department of Sports Management, Bu-Ali Sina University, Faculty of Sports Sciences, Hamedan. Iran.

2. Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Sports Management, Bu-Ali Sina University, Faculty of Sports Sciences, Hamedan, Iran.

4. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Received: (2022/06/16)

Accepted: (2022/12/13)

#### Abstract

The aim of present study was to Design a structural model of tendency to migration in national team athletes of the Islamic Republic of Iran. This research was descriptive-correlational type and based on structural equations. The statistical population included all athletes in the national teams of the Islamic Republic of Iran, of which 383 available people (N=383) were selected as a statistical sample. The researchers collected information from 26 in-depth interviews with the experts and researchers in the subject, and the data from the interview were coded and analyzed. Then, a questionnaire was designed in accordance with the obtained codes in the form of 36 items with a five-point Likert scale, and the validity and reliability of it were confirmed. The results of the structural model showed that the identified individual, managerial, structural and facility-welfare factors are appropriate to study the tendency of athletes to migrate and there is a high correlation between these factors. Also, according to the results of Friedman test, there is a significant difference between the ranking of athletes' tendency to migrate ( $P < 0.05$ ). According to the results of the present study, it seems that organizations and institutions in charge of sports can take effective steps to reduce the migration of the most valuable sports resources by paying sufficient attention to the important identified factors and adopting appropriate strategies related to these factors.

#### Keywords

Migration Tendency, Sports Migration, National Team Athletes, Structural Model.

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی مدل ساختاری عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران بودند که تعداد ۳۸۳ نفر به‌عنوان نمونه آماری در دسترس انتخاب شدند. پژوهشگران با مراجعه به متخصصان و صاحب‌نظران موضوع پژوهش، از طریق ۲۶ مصاحبه عمیق به جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها پرداختند و داده‌های حاصل از مصاحبه، کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. در ادامه، پرسشنامه‌ای مطابق با کدهای به دست آمده در قالب ۳۶ گویه با مقیاس پنج ارزشی لیکرتی طراحی گردید و روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. نتایج مدل ساختاری نشان داد که عوامل شناسایی شده فردی، مدیریتی، ساختاری و تسهیلاتی-رفاهی به‌منظور بررسی گرایش به مهاجرت ورزشکاران تناسب لازم را دارا هستند و همبستگی بالایی نیز بین این عوامل وجود دارد. همچنین با توجه به نتایج آزمون فریدمن، بین رتبه‌بندی عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که سازمان‌ها و نهادهای متولی ورزش می‌توانند با توجه کافی به عوامل مهم شناسایی شده و اتخاذ راهبردها و راه‌کارهای متناسب و مرتبط با این عوامل، گام‌های مؤثری در کاهش مهاجرت ارزشمندترین منابع ورزش بردارند.

#### واژه‌های کلیدی

گرایش به مهاجرت، مهاجرت ورزشی، ورزشکاران تیم ملی، مدل ساختاری.

## مقدمه

سرمایه انسانی به‌ویژه نیروی جوان و متخصص، در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نقش اساسی داشته و از ابزارهای مهم توسعه پایدار محسوب می‌شود. به همین خاطر، سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی برای تربیت و فراهم‌سازی این منابع به‌عنوان مهم‌ترین مزیت رقابتی و کمیاب‌ترین منبع در اقتصاد دانش‌محور امروز، صورت‌گرفته است (شاه‌آبادی و صالحی، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های بسیاری از کشورها در دهه‌های گذشته، این است که درست هنگامی که باید از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بهره‌مند شوند و در کاهش شکاف فناوری و تکنولوژیکی استفاده کنند، با حرکتی در جهت انتقال سرمایه انسانی خود مواجه می‌گردند (رضوی الهام، ۱۳۹۵). پدیده‌ای که از آن به‌عنوان «مهاجرت نخبگان» یا «مهاجرت صلاحیت‌ها» یا «فرار مغزها» یاد شده و به معنای انتقال ذخایر و سرمایه‌های ملی به خارج از کشور و از دست رفتن فرصت‌های توسعه است.

مهاجرت نخبگان یا «فرار مغزها»، به خروج متخصصان علوم و فنون، برگزیدگان و صاحبان اندیشه مربوط می‌شود و در دهه‌های گذشته با افزایش بی‌سابقه‌ای به یک چالش یا شاید بحران برای سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورها از جمله ایران تبدیل شده است (طاهری‌دمنه و کاظمی، ۱۳۹۷). ایران از بین ۹۸ کشوری که با پدیده «مهاجرت نخبگان» یا «فرار مغزها» مواجه هستند، جایگاه اول را به خود اختصاص داده (نظری و آقازاده، ۱۳۹۴) و بنا بر آمارهای رسمی میزان خسارت وارده به اقتصاد ایران ناشی از عدم توانایی در نگهداشت این سرمایه انسانی، سالانه بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

هرگاه اسم مهاجرت نخبگان به میان می‌آید، بیشتر نخبگان علمی در ذهن تداعی می‌شود؛ اما یکی از انواع مهم مهاجرت نخبگان که در چند سال اخیر بیشتر رواج داشته و بیش از دیگر اقشار مورد توجه قرار گرفته، مهاجرت نخبگان ورزشی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به تعریف نخبه که سرآمدان فعالیت‌های مختلف علمی و آموزشی و اقتصادی و غیره را که بالاترین امتیاز در رشته فعالیت خویش دارند را نخبه معرفی می‌کند، ورزشکاران از جمله نیروهای فنی و ماهر هستند که به دلیل مجموعه مهارت‌های منحصربه‌فرد

خود، به‌عنوان نخبگانی محسوب می‌شوند که نماد و سمبل یک ملت در مجامع بین‌المللی هستند (باقری و همکاران، ۱۳۹۸؛ هورویتز و مک‌دانیل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ شاکر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). مهاجرت ورزشکاران با توجه به اینکه در معرض دید مردم کشور خود هستند و همچنین انتظاراتی که از آن‌ها به‌عنوان یک قهرمان وجود دارد، می‌تواند دارای اهمیت بسزایی باشد و یکر و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۸)؛ لذا مهاجرت ورزشکاران نخبه، به‌عنوان یکی از مسائل حوزه ورزش و اجتماع، نیاز به مطالعه علمی دارد. چه اینکه در جامعه ایران، مهاجرت ورزشکاران به‌ویژه زمانی که منجر به کسب موفقیت برای دیگر کشورها می‌شود؛ بیش از سایر نخبگان مورد توجه قرار می‌گیرد. موضوعی که برخی از محققان از آن به‌عنوان «تخیله عضلات»<sup>۵</sup> یا «تخیله پا»<sup>۶</sup> نام می‌برند و تصمیم ورزشکاران ماهر برای مهاجرت را مانند پدیده فرار مغزها عنوان می‌کنند (اونک و ون کمپنهورت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶؛ چن و میسون<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸؛ هامفریس و مونیخ، ۲۰۰۸؛ آندرف، ۲۰۱۰).

مهاجرت ورزشی<sup>۹</sup> به‌عنوان اصطلاحی که برای مهاجرت ورزشکاران و یا مربیان ورزشی به کار می‌رود، یکی از جنبه‌های مدرن ورزش جهانی است که از اواخر قرن بیستم به یک ویژگی مهم در ساختارها و تشکیلات ورزش تبدیل شده است (تیابولت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹؛ مگیور<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۵؛ تراسانسکی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۶).

اگرچه برخی از محققان بر این باورند که مهاجرت ورزشکاران به‌عنوان بازتابی از الگوهای جهانی و تاریخی مهاجرت، پدیده جدید و جدایی از روندها و الگوهای مهاجرت عمومی نمی‌باشد (جانسن و انگبرسن<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۷)؛ اما به نظر می‌رسد دنیای ورزش‌های حرفه‌ای محیط مناسبی برای مهاجرت بوده و گسترش ریشه‌های ورزش در سطوح بین‌المللی و شبکه‌های تثبیت شده با قوانین و هنجارهای مشابه برای مسابقات و لیگ‌های ملی و بین‌المللی، فرصت‌های عالی برای مهاجرت‌های ورزشکاران ایجاد کرده‌اند. محیط و شرایط مناسبی که تصمیم حرکت از یک کشور به کشور دیگر و شروع

2. Horowitz & McDaniel
3. Shachar
4. Wicker et al
5. Muscle Drain or Brawn Drain
6. Feet (leg) Drain
7. Oonk & Van Campenhout
8. Chen & Mason
9. Sports Migration
10. Thibault
11. Maguire
12. Tarasanski
13. Jansen & Engbersen

1. Brain Drain

فراهم می‌کند در حالی که برخی دیگر از کشورها را در وضعیت نامساعدی قرار دهد. کشورهای در حال توسعه که اساساً صادرکننده خالص استعدادهای ورزشی هستند، هزینه‌های آموزشی که قبل از انتقال بازیکنان خود متحمل شده‌اند، جبران نمی‌شود و احتمال برنده شدن در مسابقات بین‌المللی و کسب مدال توسط این کشورها را تضعیف می‌کند. به‌عنوان مثال، در سال (۲۰۰۶) «انگلستان اسپورت» تخمین زد که هزینه آموزش هریک از ورزشکاران المپیک انگلیس برای بازی‌های تابستانی (۲۰۱۲) بدون تضمین موفقیت و کسب مدال ۸۳۰۰۰ پوند؛ به‌علاوه ۷۰،۰۰۰ پوند اضافی در سال در صورت تلاش ورزشکار برای کسب مدال خواهد بود (هوروویتز و مک دانیل، ۲۰۱۵). لذا برای پرورش یک قهرمان و دستیابی آن‌ها به رتبه‌های برتر و کسب مدال در میادین بین‌المللی، زمان و هزینه زیادی صرف می‌شود که نباید به‌سادگی از کنار این مسئله مهم ملی گذشت. اگرچه متأسفانه آمار دقیقی از تعداد قهرمانان ورزشی که در سال‌های اخیر از کشور مهاجرت کرده‌اند وجود ندارد؛ اما بررسی‌هایشان از تعداد بالای مهاجرت‌کنندگان در سال‌های اخیر دارد. طبق گزارش‌های از ترکیب تیم ۲۹ نفره پناهندگان المپیک ۲۰۲۰ توکیو ۵ نفر از آن‌ها ایرانی بوده و از این حیث کشور ما دومین کشوری بود که بیشترین تعداد ورزشکاران را در این تیم دارا می‌باشد. همچنین (باقرزاده و شریعتی ۱۳۹۹) گزارش کردند که مهاجرت ۲۸ ورزشکار ملی‌پوش ایرانی در کنار مهاجرت داوران و مربیان ملی فقط در سال ۱۳۹۸ سؤالات زیادی را ذهن ایجاد کرده است. موضوعی که چند سالی است که زنگ خطر را برای ورزش ایران به صدا درآورده است و تهدید جدی برای آن به‌حساب می‌آید. پدیده‌ای که از نظر شخصیتی، ورزشی و منابع انسانی به ورزش کشور لطمه وارد کرده و به یک بحران بزرگ تبدیل شده است که روزبه‌روز احتمال وسیع‌تر شدن آن وجود دارد.

در حالی که تحقیقات در مورد مهاجرت ورزشی نسبت به سایر زمینه‌های جامعه‌شناسان ورزشی، هنوز تا حدودی محدود است اما تحقیقات در مورد مهاجرت بین‌المللی ورزشکاران طی دهه گذشته رشد چشمگیری داشته و با افزایش بین‌المللی شدن مطالعات مهاجرت نیروی کار ورزشی در زمینه‌های مختلف ورزشی به یک زمینه تحقیقاتی محبوب تبدیل شده است؛ دلیل این امر انعکاس رشد معاصر در حجم و پیچیدگی مهاجرت در بین نخبگان این حرفه و ارتباط آن با ادبیات گسترده‌تر جهانی‌سازی ورزش، است (تیلور<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ نورمی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴).

کار به‌عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای را آسان‌تر می‌نماید. (ترانساسکی، ۲۰۱۶).

لذا در سال‌های اخیر تعداد ورزشکاران المپیک که نماینده کشورهایی به‌غیر از کشور واقعی خود هستند، به‌سرعت در حال افزایش بوده و بازی‌های المپیک جنبه مهاجرتی بیشتری پیدا کرده و به یکی از ویژگی‌های المپیک تبدیل شده است (هوروویتز و مک‌دانیل، ۲۰۱۵). از سال ۲۰۰۰ مهاجرین ورزشی در بیش از ۷۵ درصد ورزش‌های المپیک (حداقل ۲۶ ورزش مختلف) مدال کسب کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۲، سهم مهاجرین ورزشی از ۶/۲ به ۹/۲ درصد و درصد ورزشکاران مهاجر مدال‌آور از ۵/۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۶/۸ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است. همچنین در هریک از چهار دوره بازی‌های المپیک تابستانی گذشته تقریباً ۱۰۰ مدال (یک مدال از هر ۱۰ مدال) توسط ورزشکارانی کسب شده که برای کشوری متفاوت از کشوری که در آن متولد شده‌اند، به رقابت پرداخته‌اند (هوروویتز و مک‌دانیل، ۲۰۱۵)؛ (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین در بازی‌های المپیک و پارالمپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو برای اولین بار تیم «پناهندگان المپیک»<sup>۱</sup> با ده ورزشکار تشکیل شد تا ادبیات ورزش بین‌الملل و به‌ویژه مهاجرت ورزشی با پدیده‌های نوین با عنوان «پناهندگی ورزشی» روبه‌رو شود. این در حالی است که تعداد اعضای این تیم در المپیک ۲۰۲۰ توکیو سه برابر شده و ۲۹ ورزشکار از ۱۱ کشور زیر پرچم المپیک وارد رقابت‌ها شدند (باقرزاده و شریعتی، ۱۳۹۹).

اگرچه روند جهانی‌شدن ورزش باعث گسترش بازار استعدادهای ورزشی در سطح بین‌المللی شده و برای تیم‌ها، لیگ‌ها، سازمان‌ها و کشورهای بهره‌مند از استعدادهای برتر ورزشی دنیا مطلوب بوده است، اما همچنین به‌عنوان یک مشکل شناخته شده است (تیابولت، ۲۰۰۹). از آنجا که موفقیت جهانی ورزش نه‌تنها منعکس‌کننده سیستم‌های ورزشی ملی، بلکه باعث تقویت عزت ملی، ارتقای جایگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورها می‌شود. المپیک و سایر رویدادهای ورزشی بین‌المللی به‌عنوان به‌ویترین موفقیت و شهرت ملی، فرصتی برای کشورها است تا برتری خود را به صورت مسالمت‌آمیز نشان دهند (لونسکو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ شاجر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ چپیاتور و آریو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

لذا کشورها در حال سرمایه‌گذاری منابع عظیم برای پیشبرد برندهای ملی مربوط خود از طریق جذب و نگهداری ورزشکاران ماهر و بااستعداد هستند. همانند مهاجرت نخبگان در بخش‌های دیگر، جابه‌جایی ورزشکاران مزایای رقابتی را برای برخی کشورها

4. Taylor  
5. Nurmi

1. Refugee Olympic Team (ROT)  
2. Ionescu  
3. Chepyator & Ariyo

تأکید شده، درحالی‌که ضعف و کمبود سطح آگاهی در مورد پیامد منفی جهانی‌شدن و مهارت زدایی از کشورهای «اهداننده» و در نتیجه حرکت استعداد های ورزشی، در ادبیات پژوهشی این زمینه کاملاً مشهود است (تیابولت، ۲۰۰۹). لذا در این پژوهش ما به دنبال افزایش حساسیت در مورد هزینه جهانی‌شدن برای افراد و سیستم ورزشی کشورهای در حال توسعه، از جمله کشور خودمان هستیم.

همچنین بررسی تحقیقات داخلی در این زمینه، ضعف رویکردهای پژوهشی و فقر اسناد نظری و تجربی را در پدیده خروج ورزشکاران از کشور بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. تنها تحقیقات آکادمیک که در داخل کشور در این زمینه انجام شده است مربوط به باقری و همکاران (۱۳۹۸)، حسینی و همکاران (۱۳۹۹) و باقرزاده و همکاران (۱۳۹۹) بوده است که نشان از مهجور و مغفول ماندن این موضوع مهم در ادبیات پژوهشی کشور دارد. نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که پدیده مهاجرت ورزشکاران همانند سایر نخبگان یک معلول تک علتی نیست و دارای ابعاد گسترده و درهم‌تنیده‌ای است که غفلت و نادیده گرفتن هر عامل سبب درک نادرست و غیرواقعی از این مسئله می‌شود. لذا در این پژوهش تلاش شد به‌جای تمرکز بر عوامل سطح کلان اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به مهاجرت که در ادبیات پژوهشی گذشته از جمله باقری همکاران (۱۳۹۸) و حسینی و همکاران (۱۳۹۹) به اهمیت آن کاملاً اشاره شده است، عواملی که در سطح میانی و سطح خرد (فردی) مطرح بوده و کاملاً در ارتباط نزدیک با ورزشکاران و سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه ورزش است شناسایی و مدل ساختاری عوامل گرایش به مهاجرت در ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران را طراحی گردد. به نظر می‌رسد با توجه به رشد روزافزون این پدیده و لطمه‌ای که به چهره ورزش کشور وارد می‌کند، دستیابی به عوامل و علل گرایش به مهاجرت ورزشکاران از کشور و به دنبال آن راهکارهای اجرایی و عملی کنترل این پدیده بیش‌ازپیش ضروری بوده و امید است نتایج پژوهش حاضر باعث جلب توجه و اهتمام جدی مسئولان به این موضوع مهم شده و در زمینه مهار و تخفیف سیل مهاجرت ورزشکاران مثمر و کاربردی باشد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و مبتنی بر معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران بودند. با توجه

(بیل و مگوایر<sup>۱</sup> ۱۹۹۴) از مهم‌ترین پیشگامان پژوهش در زمینه مهاجرت استعداد های ورزشی بودند که به بررسی مهاجرت نیروی کار ورزشی و اهمیت آن در ورزش معاصر جهانی پرداخته و موجبات شکوفایی تحقیقات در این زمینه را فراهم آوردند (وایت<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰)؛ (انگ و اگیوگارد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵)، محققانی چون جانسن و انگبرسن (۲۰۱۷)، کارتر<sup>۴</sup> (۲۰۱۱)، مهاجرت در چارچوب ورزش را بازتابی از الگوهای جهانی و تاریخی مهاجرت می‌دانند و اشاره به شباهت‌های موجود بین مهاجرت ورزشکاران و مهاجرت سایر نیروهای ماهر دارند.

گرت و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۰)، چیپاتور و آریو<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) نیز حرکت ورزشکاران نخبه در سراسر جهان یا مهاجرت نیروی کار ورزشی را به‌عنوان علامت اصلی تأثیر جهانی‌شدن بر ورزش توصیف کرده و مهاجرت نیروی کار ورزشی را کاملاً مرتبط با کل روند جهانی‌سازی دانستند که از اواخر قرن نوزدهم اتفاق افتاده است. به‌طور کلی این محققان معتقدند جهانی‌سازی ورزش، فرصت‌های ورزشکاران، مربیان و مدیران را برای جابه‌جایی و دسترسی به عرصه‌های مختلف و جدید در دنیای ورزش افزایش داده است.

نکته قابل‌تأمل این است که با وجود تحقیقات مهم صورت گرفته در این حیطه، بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که تحقیقات مهاجرت نیروی کار ورزشی در مقایسه با بسیاری از زمینه‌های دیگر در مطالعات ورزشی، هم در سطح نظری و هم سطح تجربی، هنوز در مراحل ابتدایی است و نیاز به ادامه تحقیقات در این زمینه و همچنین گسترش آن به زمینه‌های ورزشی دیگر دارد (مگویر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴؛ اورلوسکی<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ لاووکیم<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱؛ تاراسانسکی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۶ و کارتر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۳).

همچنین همان‌طور که فالكوس و مگوایر (۲۰۱۱) پیشنهاد کردند، در مطالعات ورزشی و مهاجرت برای به چالش کشیدن و گسترش دانش موجود نیاز به تحقیقات بیشتری از زمینه‌های غیرغربی و از دیدگاه‌های غیرغربی (و در واقع محققان غیرغربی) داریم (جوی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۲۰). چراکه در اکثر پژوهش‌های غربی، بر جنبه‌ها و نمونه‌های مثبت مهاجرت ورزشی اشاره و

1. Bale & Maguire
2. Waite
3. Engh & Agergaard
4. Carter
5. Garrett et al
6. Chepyator- & Ariyo
7. Maguire
8. Olowski
9. Love & Kim
10. Tarasanski
11. Carter
12. Choi

رده‌های مختلف را داشتند. نتایج به دست آمده نشان داد که بیش از ۸۰ درصد ورزشکاران تمایل زیادی به مهاجرت از کشور داشتند و از وضعیت زندگی خود به‌عنوان قهرمان رضایت نداشتند. سپس جهت تعیین میزان همبستگی شاخص‌های مورد مطالعه در پرسشنامه از آزمون کرویت بارتلت<sup>۱</sup> استفاده گردید. معنی‌داری آزمون کرویت بارتلت نشان‌دهنده این است که در ماتریس داده‌ها به‌اندازه کافی همبستگی وجود دارد که بتوان تحلیل عوامل را ادامه داد. همچنین جهت تعیین کفایت حجم نمونه از آزمون کایسر-مایر-اولکین<sup>۲</sup> (KMO) استفاده شد. (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج آزمون KMO و بارتلت

سنجش کفایت نمونه با KMO	
۰/۹۲۴	
۵۵۵۲/۰۹۶	خی دو
۵۶۱	درجه آزادی
۰/۰۵*	Sig

طبق جدول (۱) نتایج نشان می‌دهد که استفاده از تحلیل عاملی در پژوهش حاضر مناسب بوده و عامل‌های ساخته‌شده از متغیرها از اعتبار لازم برخوردار هستند؛ و همچنین داده‌ها از کفایت مناسب برای انجام تحلیل عاملی و تعیین ساختار عاملی برخوردارند. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آمار استنباطی ابتدا لازم است نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و بررسی چولگی و کشیدگی تعیین شود. در جدول (۲) نرمال بودن توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آن‌ها گزارش شده است.

به‌منظور اطمینان از نرمال بودن داده‌های پژوهش دو پیش‌شرط وجود دارد که باید یکی از آن‌ها جهت استفاده از آزمون‌های پارامتریک محقق شود. اول اینکه باید سطح معنی‌داری آزمون کلموگروف اسمیرنوف بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد. دوم اینکه میزان چولگی یا کشیدگی توزیع متغیرها بین بازه ۲+ تا ۲- باشد. از این‌رو و با توجه به نتایج جدول (۲) مشخص است که توزیع داده‌ها در عوامل مورد بررسی، توزیع نرمال است.

در ادامه به‌منظور دستیابی به ساختار عاملی، از روش تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول و دوم استفاده شد. مدل عاملی مرتبه دوم مدلی است که در آن عامل‌های پنهانی که با استفاده از متغیرهای مشاهده‌پذیر (سؤالات) اندازه‌گیری می‌شوند، خود تحت تأثیر یک متغیر زیربنایی‌تر و به عبارتی متغیر پنهان در یک سطح بالاتر قرار می‌گیرند (شکل ۱ و ۲).

به روش پژوهش مبنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری که حجم نمونه در مدل‌یابی می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر (گویه) اندازه‌گیری شده تعیین شود تعداد ۳۸۳ نفر از ورزشکاران زن و مرد تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و در نهایت تجزیه و تحلیل داده با استفاده از ۳۸۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده، انجام گرفت. در این پژوهش به‌منظور شناسایی عوامل گرایش به مهاجرت در ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران از پرسشنامه محقق‌ساخته به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شد. متغیرهای این پرسشنامه از طریق بررسی منابع معتبر علمی داخلی و خارجی در زمینه مهاجرت مخصوصاً مهاجرت ورزشی و همچنین از طریق انجام مصاحبه هدف‌دار و هدایت شده با متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت ورزشی و جامعه‌شناسی ورزشی و برخی از ورزشکاران به دست آمد.

پژوهشگران با مراجعه به متخصصان و صاحب‌نظران موضوع پژوهش، از طریق ۲۶ مصاحبه عمیق به جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها پرداختند و داده‌های حاصل از مصاحبه، کدگذاری و تجزیه و تحلیل شد. در نهایت از مجموع متغیرهای شناسایی شده که بیش از ۹۸ کد باز بود پس از چهار مرحله بررسی و غربال‌گری تعداد ۳۶ متغیر در قالب ۴ عامل که از لحاظ تعداد، بیش‌ترین تکرار و تأکید را در مصاحبه‌ها داشتند به‌عنوان متغیرهای اصلی گرایش به مهاجرت در ورزشکاران تیم‌های ملی، انتخاب شدند و به‌عنوان سؤالات اصلی پرسشنامه در قالب مقیاس ۵ ارزشی لیکرت مورد استفاده قرار گرفتند.

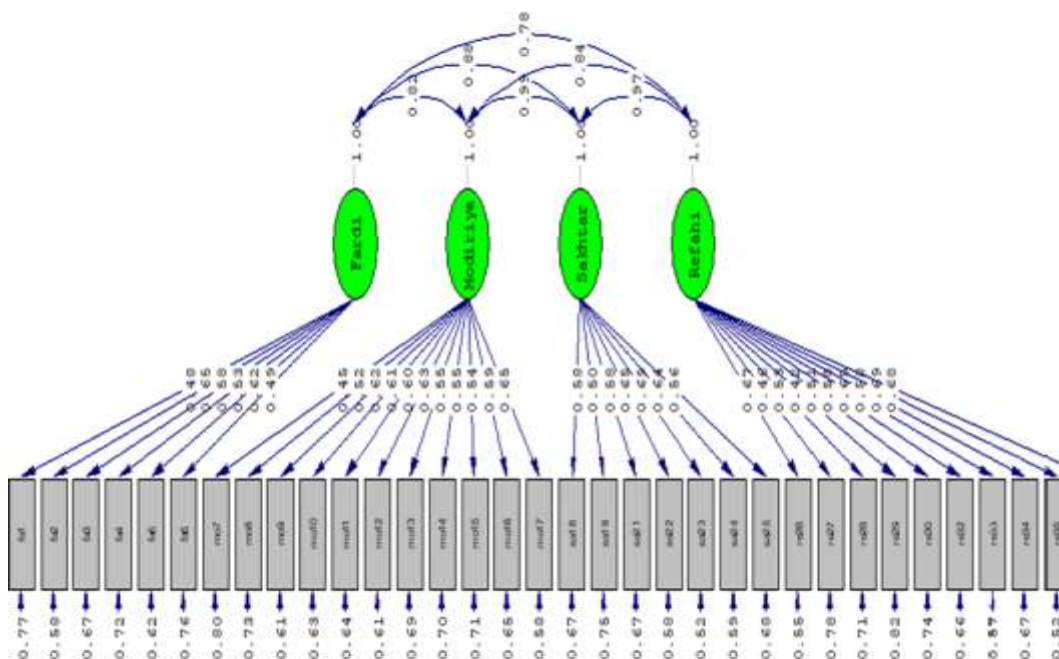
روایی صوری و محتوایی پرسشنامه قبل از توزیع در بین افراد نمونه آماری توسط استادان و خبرگان موضوع تأیید شد. ضریب پایایی کل آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و برای عامل فردی ۰/۷۳=، مدیریتی ۰/۸۴=، ساختاری ۰/۷۹= و رفاهی و تسهیلاتی ۰/۸۱= بود که نشان‌دهنده پایایی مناسب می‌باشد. در نهایت به‌منظور بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون اسمیرنوف-کالموگراف استفاده شد که نتایج نشان داد که توزیع داده‌ها نرمال ( $p > 0/05$ ) می‌باشد. لازم به ذکر است که تمامی تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS<sup>24</sup> و LISREL<sup>8.5</sup> انجام شد.

### یافته‌های پژوهش

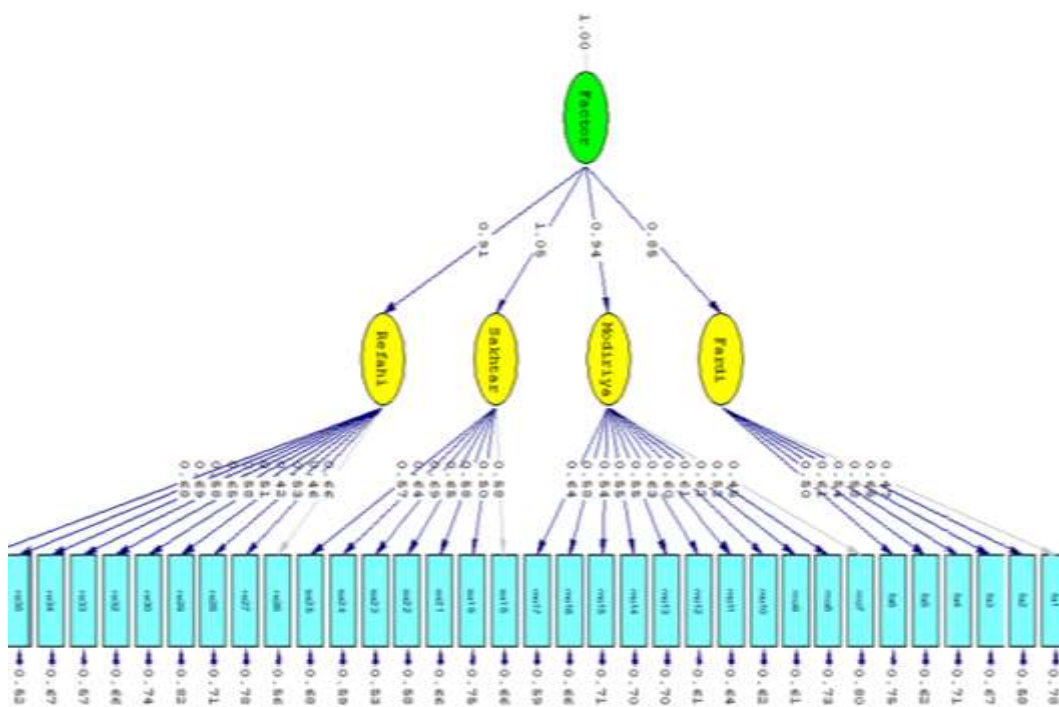
مهم‌ترین متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه‌های مورد بررسی نشان داد که ۶۵ درصد ورزشکاران مرد و ۳۵ درصد زن بودند. همچنین ۷۰ درصد ورزشکاران در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال سن داشته و سابقه ۴ سال و کمتر عضویت در تیم‌های ملی

1. Bartlett's Test of Sphericity

2. Kaiser-Meyer-Okin Measure of Sampling Adequacy



شکل ۱. نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول و ارتباط هر عامل با شاخص‌ها



شکل ۲. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم و ارتباط هر عامل با شاخص‌ها

به مهاجرت و میزان T-Values آن‌ها در تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول را نشان می‌دهد. همچنین جدول (۴) نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم و آزمون معنی‌داری عوامل گرایش به مهاجرت را نشان می‌دهد.

در پژوهش حاضر حداقل بار عاملی موردقبول برای هر سؤال ۰/۴ تعیین شد و با توجه به اینکه بار عاملی دو سؤال شماره ۲۰ و ۳۱ کمتر از حد مینا بود از سؤالات حذف شدند. جدول (۳) بارهای عاملی شاخص‌های (گویه) متناظر عوامل گرایش

## جدول ۳. شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی عوامل مؤثر در گرایش به مهاجرت ورزشکاران

عوامل فردی	عوامل مدیریتی	عوامل ساختاری	عوامل رفاهی و تسهیلاتی
رسیدن به حداکثر بازدهی و اوج عملکرد ورزشی پس از مهاجرت	کمرنگ شدن معنویت و منش پهلوانی در بین ورزشکاران	امکان ترقی و پیشرفت جایگاه بین‌المللی ورزشکار و اثبات توانایی‌های حرفه‌ای ورزشی	کاهش حس وطن‌دوستی و وطن‌پرستی در بین ورزشکاران (کاهش هویت و غرور ملی)
کسب تجربه‌های جدید و ارتقای مهارت‌های ورزشی	مادی‌گرایی بیش‌ازحد در ورزشکاران و توقع بالای ورزشکاران	نظام مدیریتی ناکارآمد در سطوح فوقانی مدیریت ورزش کشور (وجود مدیران ضعیف در رأس امور)	تعطیلی لیگ‌ها یا عدم برگزاری منظم آن در تمامی رشته‌های ورزشی
محدودیت‌ها در عرصه رقابت‌های بین‌المللی مانند ممنوعیت مسابقه در برابر بعضی کشورها	عدم به‌کارگیری مربیان مجرب و کارآزموده در رأس تیم‌های ملی	وجود تبعیض یا احساس تبعیض بین ورزشکاران در تمامی زمینه‌ها (توجه ویژه به برخی رشته‌های خاص)	محدودیت‌ها در عرصه رقابت‌های بین‌المللی مانند ممنوعیت مسابقه در برابر بعضی کشورها
وجود بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و مکانیسم‌های نامناسب در انتخاب ورزشکاران (عدم شایسته‌سالاری)	عدم استفاده و بهره‌گیری از تخصص، توانایی و مهارت قهرمانان ورزشی حال حاضر و گذشته	ترویج نوعی سوءظن و دید منفی عمومی نسبت به درآمدهای ورزشکاران حرفه‌ای در کشور	عدم توجه کافی به تیم‌ها و ورزشکاران سطوح پایه (عدم توجه به استعدادهای نوجوان و جوان)
عدم اعزام تیم‌های برخی رشته‌های ورزشی به مسابقات بین‌المللی	ایجاد فرهنگ مهاجرت در بین ورزشکاران بدلیل تبلیغات مثبت و رضایت و تشویق ورزشکاران مهاجرت کرده	کمبود زیرساخت‌های مناسب و امکانات سخت‌افزاری در سطح استانداردهای جهانی برای رشته‌های ورزشی	عدم توجه کافی به ورزش بانوان و نگرش نامناسب نسبت به ورزش حرفه‌ای بانوان در جامعه
عدم توجیه کافی بودن امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی ورزش حرفه‌ای در کشور و برعکس وجود امکانات و تجهیزات پیشرفته و بروز ورزشی در تمامی رشته‌ها در کشورهای مقصد	مرکزگرایی و توزیع ناعادلانه امکانات و تجهیزات ورزشی در مناطق مختلف کشور (تمرکز بیش‌ازحد منابع و امکانات و تجهیزات در پایتخت و عدم توجه به شهرستان‌ها)	عدم توانایی در برگزاری و میزبانی رویدادها و تورنمنت‌های بزرگ ورزشی در تمامی رشته‌ها در کشور	کم بودن ظرفیت جذب اقتصادی ورزش در کشور و عدم سرمایه‌گذاری مناسب حامیان مالی در ورزش
نبود تشکلهای و اتحادیه‌های کارآمد جهت حمایت کافی از حقوق ورزشکاران حرفه‌ای در بدنه ورزش کشور	مشکلات اقتصادی و نامناسب بودن وضعیت معیشتی ورزشکاران حرفه‌ای	نظام حقوق و مزایای بسیار ناکافی و ناکارآمد برای قهرمانان و عدم حمایت مالی از آن‌ها در دوران قهرمانی و پس از آن	عدم اختصاص پاداش‌های مادی مناسب و درخور برای ورزشکاران موفق در میادین بین‌المللی
عدم رعایت شأن و منزلت اجتماعی قهرمانان در جامعه و کم‌توجهی و کم‌لطفی به قهرمانان ورزشی	ناکارآمدی و ضعف قوانین حمایتی از قهرمانان ورزشی در سطوح کلان	تسهیلات ارائه‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی ورزشی برای فعالیت ورزشکاران مهاجر در کشور مقصد	عدم تأمین امکانات و خدمات رفاهی و تفریحی مناسب برای قهرمانان ورزشی حال و گذشته (از قبیل فقدان پوشش بیمه‌ای و درمانی برای همه ورزشکاران حرفه‌ای)
عدم برنامه‌ریزی مناسب جهت تسهیل مسئله نظام‌وظیفه و سربازی قهرمانان ورزشی رشته‌های مختلف	عدم تأمین فرصت و آینده شغلی برای قهرمانان ورزشی برای اشتغال متناسب با تخصص قهرمانان ورزشی کشور	عدم اطمینان قهرمانان ورزشی از آینده خود و خانواده پس از کناره‌گیری و بازنشستگی از ورزش	عدم اطمینان قهرمانان ورزشی از آینده خود و خانواده پس از کناره‌گیری و بازنشستگی از ورزش

با توجه به بارهای عاملی ارائه شده در این جدول می‌توان به شاخصی از مدل عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران پی برد. میزان اهمیت هر کدام از متغیرهای مشاهده شده به‌عنوان

**جدول ۴.** آزمون معنی‌داری عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران

رابطه مؤلفه با متغیر	بار عاملی	t-value	سطح معنی‌داری
عوامل فردی (گرایش به مهاجرت ورزشکاران)	۰/۸۵	۸/۴۴	۰/۰۵
عوامل مدیریتی (گرایش به مهاجرت ورزشکاران)	۰/۹۴	۸/۶۱	۰/۰۵
عوامل ساختاری (گرایش به مهاجرت ورزشکاران)	۱/۰۵	۱۲/۵۷	۰/۰۵
عوامل رفاهی و تسهیلاتی (گرایش به مهاجرت ورزشکاران)	۰/۹۱	۱۳/۰۷	۰/۰۵

\*  $P < 0.05$

گرایش به مهاجرت ورزشکاران در جدول (۵) آمده است. این شاخص‌ها شامل؛ شاخص نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی ( $x^2/d.f$ )، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI) و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) است (جدول ۵).

با توجه به نتایج به دست آمده از شکل‌های (۱) و (۲) و جداول (۳) و (۴) همه ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده در مدل پژوهش دارای تناسب بوده و بر گرایش به مهاجرت ورزشکاران مؤثر هستند. با توجه به اینکه سازه عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران دارای چهار عامل زیربنایی فردی، مدیریتی، عامل ساختاری و رفاهی و تسهیلاتی بود، تحلیل عاملی تأییدی چهار عاملی صورت گرفت. مشخصه‌های نیکویی برازش سازه عوامل

**جدول ۵.** مشخصه‌های نیکویی برازش مدل عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران

مشخصه	تحلیل عاملی مرتبه اول	تحلیل عاملی مرتبه دوم	گیفن و همکاران
مجذور خی دو ( $X^2$ )	۱۴۶۹/۳۱	۱۴۷۳/۶۴	-
درجه آزادی (df)	۵۲۱	۵۲۳	-
نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی ( $X^2/df$ )	۲/۸۲	۲/۸۱	کوچک‌تر از ۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲	۰/۹۱	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۴	۰/۹۴	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش (AGFI)	۰/۹	۰/۹	بزرگ‌تر از ۰/۸
جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۸	۰/۰۷۹	کوچک‌تر از ۰/۰۸

مهاجرت است. در ادامه به‌منظور بررسی رابطه بین عوامل گرایش به مهاجرت در ورزشکاران از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۶). نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین عوامل گرایش به مهاجرت وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول (۵) و معیارهایی که گیفن و همکاران<sup>۱</sup> مطرح نموده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با سازه مدل عوامل گرایش به



**جدول ۶.** ماتریس همبستگی بین عوامل چهارگانه گرایش به مهاجرت در ورزشکاران تیم‌های ملی جمهوری اسلامی ایران

عوامل گرایش به مهاجرت	فردی	مدیریتی	ساختاری	رفاهی - تسهیلاتی
فردی	۱			
مدیریتی	۰/۶۳۷*	۱		
ساختاری	۰/۶۹۳*	۰/۸۲*	۱	
رفاهی - تسهیلاتی	۰/۶۳۵*	۰/۷۱*	۰/۷۷۹*	۱

\*  $P < 0/05$ 

در نهایت جهت رتبه‌بندی عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران از آزمون فریدمن استفاده شد (جدول ۷).

**جدول ۷.** رتبه‌بندی عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران

رتبه‌بندی فریدمن	میانگین رتبه	تعداد	ضریب خی دو	درجه آزادی	سطح P
رفاهی - تسهیلاتی	۲/۶۳				
فردی	۲/۵۶	۳۸۰	۱۸/۲۲	۳	۰/۰۵*
ساختاری	۲/۵۵				
مدیریتی	۲/۲۶				

\*  $P < 0/05$ 

مرتبط و نزدیک با مقوله ورزش و ورزشکاران طور خاص است که به‌نوعی می‌توان گفت علل اصلی گرایش به مهاجرت ورزشکاران نخبه به محسوب می‌شوند.

عوامل فردی، ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی خود ورزشکاران است که در سطح خرد بر این مبنای شکل می‌گیرد که سیستم ارزشی خاص یک فرد، خواسته‌ها و انتظارات او، می‌تواند دلیل مهاجرت قرار گیرد. عوامل فردی می‌توانند در انتخاب مسیر دستیابی به اهداف، میزان مثبت‌نگری به پدیده‌ها، سطح سلسله‌مراتب نیازها، تمایل به لذت‌گرایی، امید به آینده، میزان انگیزش و وابستگی‌های عاطفی افراد نقش داشته و به‌نوبه خود بر تصمیمات آن‌ها برای جستجوی اهداف حرفه‌ای خود در محیطی دیگر اثرگذار باشد. عوامل فردی متغیرهای مهمی هستند که همسو با نتایج پژوهش حاضر، در بسیاری از تحقیقات این حوزه در عناوین مختلف به اهمیت آن‌ها اشاره شده است.

محسنی و همکاران (۱۳۸۶)، در مدل پژوهشی خود عوامل فردی و جمعیتی را از مهم‌ترین عوامل انگیزشی نیروی متخصص به مهاجرت معرفی کردند. در حوزه ورزش نیز از نظر ایوانس<sup>۱</sup> به نقل از مگوایر (۲۰۱۴) و فو (۲۰۱۵)، میل به مهاجرت ورزشکاران به دلیل نیاز به پیشرفت شخصی و رقابت در سطح بالاتر و کسب اعتبار و شهرت اضافی است (فو<sup>۲</sup>،

نتایج به دست آمده نشان داد که بین رتبه‌بندی عوامل گرایش به مهاجرت ورزشکاران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و بررسی میانگین رتبه‌ها مشخص کرد که عامل رفاهی و تسهیلاتی با میانگین رتبه ۲/۶۳ دارای بیشترین اهمیت است.

### بحث و نتیجه‌گیری

همه کشورهای دنیا در تلاش هستند قهرمانان خود را حفظ کنند، زیرا همان‌طور که موفقیت آن‌ها در بالا بردن پرچم یک کشور در عرصه رقابت‌های ورزشی، قدرت سیاسی و اقتصادی آن کشور را به رخ می‌کشد، به همان نسبت مهاجرت این قهرمانان که نماد یک ملت در مجامع بین‌المللی هستند، نتایج و پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را در پی دارد. همین امر، ضرورت اتخاذ راهبردها و تدابیر لازم در این زمینه را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

اولین و مهم‌ترین نکته‌ای که پیش از اتخاذ هر راهکاری می‌بایست به آن توجه داشت، شناسایی عوامل و متغیرهای مؤثر در مهاجرت ورزشکاران است؛ چراکه تصمیم به مهاجرت هرگز به‌سادگی یک انتخاب فردی نیست و تا عوامل و متغیرهای تأثیرگذار آن مشخص نشود نمی‌توان راهکارهای و سیاست‌های درستی را در این زمینه اتخاذ کرد. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت ورزشکاران انجام گرفت. نتایج مدل پژوهش نشان داد که چهار عامل فردی، مدیریتی، ساختاری و در نهایت تسهیلاتی و رفاهی، به صورت اختصاصی از اصلی‌ترین علل و عوامل

نظام مدیریتی ناکارآمد در سطوح فوقانی مدیریت ورزش کشور، عدم استفاده و بهره‌گیری از تخصص، توانایی و مهارت نخبگان ورزشی حال حاضر و گذشته، تعطیلی لیگ‌ها یا عدم برگزاری منظم آن در تمامی رشته‌های ورزشی است. همسو با نتایج تحقیق حاضر فلاحی و منوریان (۱۳۸۷) در تحقیق خود عوامل سیاسی و مدیریتی را مهم‌ترین عامل گریز نخبگان عنوان کردند. عریبان (۱۳۸۹)، نظام مدیریتی ناکارآمد را به‌عنوان مهم‌ترین عامل دافعه اجتماعی در مهاجرت نخبگان ایران مطرح می‌کند. به عقیده جانعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، مدیریت‌های ناپخته و ناکارآمد از مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل به مهاجرت یا مهاجرت نخبگان است. همچنین در زمینه مهاجرت نخبگان ورزشی نیز نتایج پژوهش باقری و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داد که ناکارآمدی نظام مدیریتی و بی‌برنامگی فدراسیون‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان ورزشی محسوب می‌شوند. در نهایت مرادی و ستاری‌فرد (۱۳۹۹)، نیز عوامل مدیریتی را از مهم‌ترین علل مهاجرت ورزشکاران کشور عنوان کردند؛ و حسینی و همکاران (۱۳۹۹)، نیز عامل مدیریتی را مهم‌ترین و قابل‌تأمل‌ترین گزینه مهاجرت نخبگان ورزشی ایران عنوان کردند. لذا با توجه به نتایج به نظر می‌رسد می‌توان با ایجاد لیگ‌های ساختاریافته، منسجم، حرفه‌ای و توأم با توان درآمدزایی و تبدیل به محل معاش ورزشکاران در رشته‌های مختلف، رفع تبعیض‌ها در رشته‌های مختلف ورزشی، شایسته‌سالاری در انتخاب ورزشکاران، جذب مربیان با تجربه داخلی و خارجی، به‌کارگیری ورزشکاران توانمند در بدنه مدیریتی، توجه به سطوح پایه و اعزام تیم‌های مختلف ورزشی شرایط حرفه‌ای را برای ایجاد انگیزه لازم را برای ماندگاری ورزشکاران فراهم کرد. لذا شایسته است رشد، پرورش و حفظ قهرمانان به‌عنوان سرمایه‌های ملی باید سرلوحه برنامه‌های مدیریتی ورزش کشور باشد؛ و مدیران با کم کردن فاصله خود با ورزشکاران و مربیان از دغدغه‌ها و مشکلات زندگی ورزشکاران و مربیان باخبر شوند.

عوامل ساختاری یکی دیگر از عوامل مهم شناسایی شده در مدل ساختاری گرایش به مهاجرت ورزشکاران در پژوهش حاضر بود که بیشتر به عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، نبود امکانات و سخت‌افزارهای لازم در سطح استانداردهای جهانی برای تمامی رشته‌های ورزشی در تمامی استان‌ها، عدم توجه کافی به ورزش بانوان و نبود امکانات و زیرساخت‌های آن، عدم توانایی در برگزاری و میزبانی رویدادها و تورنمنت‌های بزرگ ورزشی در تمامی رشته‌ها و به‌تبع آن ظرفیت کم در جذب اقتصادی و سرمایه‌گذاری حامیان و نبود تشکله‌ها و اتحادیه‌های

(۲۰۱۵)؛ (ایوانز، ۲۰۱۴)؛ بتلهو و اگیرگارد<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) جاه‌طلبی‌ها و کسب تجربه‌های بیشتر را از دلایل اصلی مهاجرت ورزشکاران معرفی کردند و در نهایت باقری و همکاران (۱۳۹۸)، عوامل شخصی (عاطفی)، ضعف وطن‌دوستی و وطن‌پرستی و تمایل به زندگی در محیطی مدرن را از جمله ابعاد مؤثر بر مهاجرت ورزشکاران عنوان کردند. اگرچه شرایط کلان موجود در هر کشور در سطح کلان و وضعیت حرفه‌ای ورزشکاران در سطح میانی زمینه اصلی برای مهاجرت تلقی می‌شود؛ اما در نهایت این خود ورزشکار است که تصمیم نهایی را در خصوص ماندن یا ترک کشور خود می‌گیرد. به نظر می‌رسد وجه تمایز اصلی برخی از ورزشکاران که باوجود تمام ناملازمات و سختی‌ها بارها به عشق وطن و نام کشور از همه‌چیزشان گذشته‌اند تا پرچم کشور را در میادین بین‌المللی به اهتزاز درآورند با ورزشکارانی که مهاجرت را ترجیح داده‌اند، همین عوامل فردی و شخصی در سطح خرد باشد. لذا در این سطح نیز می‌توان برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌های مناسبی را از قبیل افزایش حس وطن‌دوستی و تعلق به وطن و دین در بین ورزشکاران تیم ملی، بهبود روحیه از خودگذشتگی و منش پهلوانی، ارتقای سطح زندگی و حل مشکلات فردی قهرمانان برای کاهش یا جلوگیری از مهاجرت‌های روزافزون قهرمانان ورزشی طرح‌ریزی و اجرا کرد. راهبردهایی که با شناخت نیاز ورزشکاران و برانگیختن آنان با تکیه بر همین نیازها و تلاش برای شکوفا ساختن استعدادهای آنان، در سطح فردی می‌تواند انگیزه لازم را برای ماندن در کشور فراهم آورد.

براساس نتایج پژوهش عوامل مدیریتی و متغیرهای مربوط به آن از دیگر عوامل مهم در مدل گرایش مهاجرت ورزشکاران بودند که به نظر می‌رسد دارای اهمیت فوق‌العاده در این زمینه هستند. از آنجایی که اساس پیشرفت هر جامعه‌ای در تمامی زمینه‌ها از جمله ورزش، مدیریت سالم و کارآمد است، برای جلوگیری از خروج استعدادهای ورزشی نیز باید به این مهم توجه کافی داشت. از جمله مهم‌ترین مواردی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد شامل: عدم به‌کارگیری مربیان مجرب و کارآزموده، وجود تبعیض یا احساس تبعیض در بین ورزشکاران رشته‌های مختلف در تمامی زمینه‌ها، تبعیض بین رشته‌های ورزشی و توجه ویژه به برخی رشته‌های خاص، مکانیسم‌های نامناسب در انتخاب ورزشکاران و مربیان تیم ملی، عدم شایسته‌سالاری و ایجاد فرصت برابر برای تمامی ورزشکاران،

1. Evans  
2. Botelho & Agegard

تجهیزات ورزشی در مناطق مختلف کشور، توجه کافی و لازم به ورزش بانوان و ایجاد زیرساخت‌های لازم آن با توجه به ویژگی‌های فرهنگی کشور در راستای کاهش سیل مهاجرت ورزشکاران در سال‌های اخیر اقدامات لازم را انجام دهند.

در نهایت با توجه به نتایج پژوهش چهارمین عامل بسیار مهم و مؤثر در مهاجرت ورزشکاران کشور، عامل تسهیلاتی و رفاهی است که تقریباً در تمامی پژوهش‌های حوزه مهاجرت نخبگان به اهمیت آن، اشاره و تأکید شده است؛ به طوری که طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول در کنار جنگ، وضعیت اقتصادی کشورها مهم‌ترین عامل مهاجرت در سال‌های اخیر بوده است. از جمله متغیرهای شناسایی شده این عامل در پژوهش حاضر می‌توان به مشکلات اقتصادی ورزشکاران، نامناسب بودن وضعیت معیشتی بسیاری از ورزشکاران حرفه‌ای، عدم حمایت مالی مناسب از ورزشکاران ملی‌پوش در دوران قهرمانی، نظام حقوق و مزایای بسیار ناکافی و ناکارآمد برای قهرمانان ورزشی، عدم اختصاص پاداش‌های مادی مناسب و درخور برای ورزشکاران موفق در میادین بین‌المللی، عدم تأمین فرصت شغلی، امنیت شغلی و آینده شغلی برای قهرمانان ورزشی برای اشتغال متناسب با تخصص و توان قهرمانان ورزشی کشور، عدم اطمینان قهرمانان ورزشی از آینده خود و خانواده پس از کناره‌گیری و بازنشستگی از ورزش و مهتر عدم رعایت شأن و منزلت اجتماعی قهرمانان در جامعه و کم‌توجهی و کم‌لطفی به قهرمانان ورزشی، اشاره کرد. در همین راستا جبکوری و آریو (۲۰۱۷) فقدان مشوق اقتصادی و امنیت مالی را عامل اصلی فشار برای ورزشکاران آفریقایی برای انتقال به خاورمیانه می‌دانند.

بتلهو و اگیرگارد (۲۰۱۱)، منافع اقتصادی و دستمزد را دلیل اصلی مهاجرت ورزشکاران عنوان می‌کند. نتایج پژوهش باقری و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داد که در بین عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان ورزشی، عوامل اقتصادی از جمله دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر و تفاوت وضعیت رفاهی کشور مبدأ و مقصد، مهم‌ترین نقش را دارند و شرایط اقتصادی مهم‌ترین عاملی است که ورزشکاران را وادار به مهاجرت از کشور خود می‌کند؛ و در نهایت حسینی و همکاران (۱۳۹۹)، نیز به اهمیت این عامل در مهاجرت ورزشکاران تأکید داشته‌اند. اگرچه بسیاری از متغیرهای این عامل مهم ناگزیر تحت تأثیر عوامل سطح کلان اقتصادی و مدیریتی قرار دارد، اما در سطح میانی نیز مدیران ورزشی می‌توانند با ارائه انگیزاننده‌های درونی و بیرونی از جمله تأمین مالی و معیشتی، امور بیمه‌ای، ارائه تسهیلاتی نظیر اشتغال، قانون سرباز قهرمان، مسکن، توسعه

کارآمد جهت حمایت کافی از حقوق ورزشکاران حرفه‌ای در بدنه ورزش کشور در کشور اشاره دارد. بررسی مطالعات صورت گرفته در این حوزه نشان از اهمیت این عوامل برای نخبگان و تصمیم آن‌ها برای مهاجرت دارد از جمله باقری و همکاران (۱۳۹۸)، معتقدند که فراهم نشدن امکانات و زیرساخت‌ها در سطح مناسب، باعث تصمیم به مهاجرت ورزشکاران نخبه می‌شود. مرادی و ستاری‌فرد (۱۳۹۹)، نیز کیفیت و کمیت حداقلی امکانات و کمبودها و نقصان‌های زیرساختی و تجهیزات ورزشی را از مهم‌ترین عوامل مهاجرت ورزشکاران عنوان می‌کنند. ایوب<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، برای فوتبالیست‌های حرفه‌ای بر شرایط ساختاری که در نقطه عزیمت و ورود بازیکن وجود دارد تأکید کرده است.

کارتز<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، محدودیت‌های ساختاری را از عوامل مهم مهاجرت ورزشی توصیف می‌کند. پولی<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) با اشاره به اینکه مهاجرت ورزشی لزوماً شامل نابرابری‌های ساختاری بین کشورها است، معتقد است از این روابط نابرابر باید به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی استفاده شود و در نهایت جبکوری و آریو (۲۰۱۷)، زیرساخت‌های ورزشی ضعیف از عوامل اصلی فشار برای مهاجرت ورزشکاران آفریقایی عنوان می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد وقتی یک ورزشکار پا به دنیای حرفه‌ای می‌گذارد، وجود امکانات مناسب و دسترسی به مربیان حرفه‌ای و با تجربه عامل مهمی است که می‌تواند زمینه موفقیت‌های ورزشکار را فراهم کند. فراهم نشدن امکانات آموزشی و زیرساختی در سطح مناسب، باعث می‌شود که ورزشکار راه موفقیت خود را در سفر به جایی ببیند که این امکانات را فراهم می‌کند. فعالیت و موفقیت در میادین ورزشی بین‌المللی نیازمند برخورداری از زیرساخت‌های فنی، امکانات و تجهیزات متناسب با سطح بالایی از ورزش قهرمانی است. این در حالی است که در ایران توزیع امکانات و زیرساخت‌های ورزشی مبتنی بر آمایش سرزمینی نبوده و معطوف به نیاز واقعی نیست. همچنین به دلیل ضعف‌های زیرساختی و نبود بسترهای مناسب برای بسیاری از رشته‌های ورزشی و محدود بودن چتر ورزش حرفه‌ای کشور به برخی رشته‌های رسانه‌ای و پُرطرفدار یکی از دلایل اصلی مسئله مهاجرت ورزشکاران ایرانی در رشته‌های انفرادی است. لذا شایسته است مدیران ورزشی کشور نیز با توجه کامل به این مسائل ساختاری مهم از جمله نگاه یکسان و برابر به رشته‌های مختلف ورزشی و ورزشکاران آن، توزیع ناعادلانه امکانات و

1. Elliott  
2. Carter  
3. Poli

### سیاسگزاری

نویسندگان این مقاله بر خود واجب می‌دانند از تمامی افرادی که در نگارش مقاله یاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نماییم.

شاخص‌های رفاهی زندگی فردی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی در رفع معضل به وجود آمده در مسیر پیشرفت ورزش کشور داشته باشند.

### References

- Andreff, W. (2010). Why tax international athlete migration? The 'coubertobin' tax in a context of financial crisis. *Handbook on sport and migration*, 31-45.
- Arabian, N. (2010). Investigating the factors of elite migration in Iran. *Journal of Research Culture*, 2(7), 161-174. (In Persian)
- Azimi, A., Shirazi, A., Kazemi, M., & Pouya, A. (2019). Exploring and explaining the clusters of migrant faculty members of top Iranian universities based on factor analysis of their perceptions of barriers to human capital retention. *Management Researches*, 12(43), 157-183. (In Persian)
- Bagheri, H., & Qavam Sefat, M., & Haseli, G. (2019). Identifying and Prioritizing Factors Affecting Immigration of Elite athletes in Iran. *Human Resource Management in Sport Journal*, 6(2), 257-276. (In Persian)
- Bagherzade, F., & Shariati, M. (2021). Pathology of the Migration Behavior of Iranian Athletes: A Qualitative Approach Based on Push-Pull Theory. *New Trends in Sport Management*, 8(31), 152-139. (In Persian)
- Botelho, V. L., & Agergaard, S. (2011). Moving for the love of the game? International migration of female footballers into Scandinavian countries. *Soccer & Society*, 12(6), 806-819.
- Carter, T. (2011). *In foreign fields: The politics and experiences of transnational sport migration*. Pluto Press.
- Carter, T. F. (2013). Re-placing sport migrants: Moving beyond the institutional structures informing international sport migration. *International Review for the Sociology of Sport*, 48(1), 66-82.
- Chen, C., & Mason, D. S. (2018). Hockey's significant others: Canadian newspaper coverage of elite migrant athletes in the 1980s and 1990s. *The International Journal of the History of Sport*, 35(10), 985-1007.
- Chepyator-Thomson, J. R., & Ariyo, E. S. (2017). Out of Eastern Africa: An examination of sport labour migration in the post-independence era. *The International Journal of the History of Sport*, 33(15), 1826-1846.
- Choi, Y. (2020). Running for Korea: Rethinking of sport migration and in/flexible citizenship. *International Review for the Sociology of Sport*, 55(3), 361-379.
- Elliott, R. (2016). Football's Irish Exodus: Examining the Factors Influencing Irish Player Migration to English Professional Leagues. *International Review for the Sociology of Sport*, 51(2), 147-161.
- Eng, M. H., & Agergaard, S. (2015). Producing mobility through locality and visibility: Developing a transnational perspective on sports labour migration. *International Review for the Sociology of Sport*, 50(8), 974-992.
- Evans, A. B. (2014). Contesting far flung fields: Sociological studies of migration and acculturation through sport. *Acculturation: Psychology, processes and global perspectives*, 67-86.
- Fallahi, K., & Monavaryan, A. (2009). A Study on the factors of elites (human capital) immigration and suggesting appropriate strategies to prevent this phenomenon. *Knowledge and Development*, 15(24), 107-137.
- Foo, C. (2015). Exploring sport migration through international student athlete recruitment: The sojourn of male soccer players from Trinidad and Tobago. *Journal of Physical Education*, 2(2), 149164.
- Garrett, S., Vickers, E., Fletcher, D., & Taylor, G. (2020). Sport migration from the UK to the US: The student-athlete experience. *Journal for the Study of Sports and Athletes in Education*, 14(1),

- 19-40.
- Horowitz, J., & McDaniel, S. R. (2015). Investigating the global productivity effects of highly skilled labour migration: How immigrant athletes impact Olympic medal counts. *International journal of sport policy and politics*, 7(1), 19-42.
- Hosseini, Z., Honari, H., & Ghafouri, F. (2020). Modeling the factors affecting the sport migration of Iranian elite athletes. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 7(1), 95-109. (In Persian)
- Humphreys, B. R., & Munich, D. (2008). Sport participation and migration. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 3(4), 335-347.
- Ionescu, A. M. (2017). athletes citizenship issue in public international law. *Challenges of the Knowledge Society*, 466-475.
- Janalizadeh Chub Basti, H., Aliverdinia, A., & Pourqazi, S. (2014). A Sociological Study of Scientific Elite's Tendency to Emigrate from Iran. *Strategy for Culture*, 7(25), 153-178.
- Jansen, J., & Engbersen, G. (2017). Have the Olympic Games become more migratory? A comparative historical perspective. *Comparative migration studies*, 5(1), 11.
- Love, A., & Kim, S. (2011). Sport Labor Migration and Collegiate Sport in the United States: A Typology of Migrant Athletes. *Journal of Issues in Intercollegiate Athletics*.
- Maguire, J. (2004). Sport labor migration research revisited. *Journal of sport and social issues*, 28(4), 477-482.
- Maguire, J. Sport And Globalisation Entry For: Sport And Development Web-Based Platform. Swiss Academy For Development, [https://www.academia.edu/28539250/GL\\_OBAL\\_GOALS\\_YOUTH\\_AND\\_SPORT](https://www.academia.edu/28539250/GL_OBAL_GOALS_YOUTH_AND_SPORT)
- Mahdi Nazari, Mohammad Reza Aghazadeh, (2015). Dynamics of Brain Drain Considering Motivators, 11(2), 138. (In Persian)
- Mohseni, T. A. R., & ADL, M. (2008). Psycho-social factors affecting the-tendency to migration of faculty members of tehran universities. (In Persian)
- Moradi, M., & Sattarifard, S. (2021). *Analyze the issue of athlete migration and provide effective solutions*. Islamic Consultative Assembly Research Center; Deputy of Socio-Cultural Research; Education and Culture Studies Office (Department of Sports, Cultural Heritage and Tourism); Subject code: 270; Serial number: 17057. (In Persian)
- Nurmi, V. (2014). *Sport labor migration, globalization and dual-career: Case study of international student-athletes in University of Colorado at Boulder* (Master's thesis).
- Oonk, G., & van Campenhout, G. (2016). Who Belongs to the Nation? Sport, Migration and Citizenship Changes 1.
- Orlowski, J., Wicker, P., & Breuer, C. (2016). Determinants of labour migration of elite sport coaches. *European journal of sport science*, 16(6), 711-718.
- Poli, R. (2010). Understanding globalization through football: The new international division of labour, migratory channels and transnational trade circuits. *International Review for the Sociology of Sport*, 45(4), 491-506.
- Razavi Alehashem, B. (2016). To present a two-way model for scientific elites brain drain. *Journal of cultural management*, 9(30), 33-43. (In Persian)
- Shachar, A. (2011). Picking winners: Olympic citizenship and the global race for talent. *Immigr. & Nat'lity L. Rev.*, 32, 523.
- Shahabadi, A., & Salehi, M. (2017). The impact of management improvement abundance of natural resources of channel governance on brain drain. *Iranian Journal of Trade Studies*, 21(83), 103-134.
- Taheri Demneh, M., & Kazemi, Masoumeh. (2018). The Desire to Migrate Among Young Iranians; A Qualitative Study on Future Images. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10(4), 53-78.
- Tarasanski, A. (2016). *Migration in globalized sport: Finnish ice hockey players in Russia* (Master's thesis).
- Taylor, M. (2010). Football's engineers? British football coaches, migration and intercultural transfer, c. 1910-c. 1950s. *Sport in History*, 30(1), 138-163.
- Thibault, L. (2009). Globalization of sport: An inconvenient truth 1. *Journal of sport*

- management, 23(1), 1-20.
- Waite, C. (2020). Enabling and constraining migration: the multiscalar management of temporary, skilled, international migration of English professional cricketers. *Sport in Society*, 23(1), 102-115.
- Wicker, P., Orłowski, J., & Breuer, C. (2018). Coach migration in German high performance sport. *European Sport Management Quarterly*, 18(1), 93-111.